مجله زبان و ادبیّات عربی (مجله ادبیّات و علوم انسانی سابق) (علمی ـ پژوهشی)، شماره چهارم ـ بهار و تابستان ۱۳۹۰

دکتر جواد اصغری (استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران)

ویژگی‌های فنی و موضوعی داستان در آثار بهاء طاهر

چکیده

بهاء طاهر یکی از داستان‌نویسان برجسته مصر است و دارای ۱۰ اثر داستانی است. وی اصولاً نویسنده‌ای رئالیست است که از امکانات فنی مکتب هنری رئالیسم بـه طـور کامـل بهره برده است. هدف مـا در ایـن مقالـه، شناسـاندن ویژگـی هـای تکنیکـی و محتـوایی داستان‌های بهاءطاهر است. از این رو، در بخش نخست به ویژگی‌های قالـب داسـتانی در آثار او می پردازیم و با پیرنگ و کشمکش و داستان موقعیت، رمان دراماتیک و مکان‌هـای شهری در داستان های او آشنا می شویم و در بخش دوم به مضامین آثارش از قبیل انقلاب ژوئیه، مسائل مربوط به طبقه متوسـط و روشـنفکر، اسـتعمار، و مسـأله فلسـطین خـواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: بهاء طاهر، مصر، داستان، ویژگی های قالب، محتوای داستانی.

مقدمه

بهاءطاهر در سیزدهم ژانویـه سـال ۱۹۳۵ مـیلادی در قـاهره متولـد شـد. وی در سـال ۱۹۵٦ از دانشگاه قـاهره لیسـانس ادبیـات گرفـت و تحصـیلات تکمیلـی خـود را تـا سـال ۱۹۷۳ در رشـته رسانه‌های دیداری و شنیداری ادامه داد. تا سـال ۱۹۷۵ بـه عنـوان کـارگردان و گوینـده در رادیـو و تلویزیون مصر فعالیت می‌کرد. اما در این سال از اجازه نوشتن محروم و چاپ کتـاب‌هـایش ممنـوع شد. پس از این ممنوعیت، از مصر مهاجرت کرد و در کشـورهای مختلـف آسـیایی و آفریقـایی بـه عنوان مترجم مشغول به کار شد. او طی سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵ در ژنو مترجم سازمان ملـل متحـد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۲/۲۸

پـست الـکترونـیـکی: asghari.j@gmail.com

Archive of SID

www.SID.ir

بود و در سال ۱۹۹۵ به مصر بازگشت و هم‌اکنون در زادگاه خود زندگی می‌کند (بهاء طاهر/ http://ar.wikipedia.org/wiki).

بهاء طاهر اصولاً نویسنده کم‌کاری است و در طول دوران نویسندگی خود ۱۰ اثر داستانی نوشته که شامل چهار مجموعه داستان و شش رمان است. او دارای آثار غیرداستانی نیز می‌باشد. آثار او به شرح زیر است:

۱. *الخطوبه* (مجموعه داستان)،.۱۹۷۲

۲. *بالأمس حلمت بک* (مجموعه داستان)، .۱۹۸٤

۳. *أنا الملک جئت* (مجموعه داستان)، .۱۹۸٦

٤. *ذهبت الی الشلال* (مجموعه داستان)، .۱۹۹۸

۵. *شرق النخیل* (رمان)، .۱۹۸۵

٦. *قالت ضحی* (رمان)، .۱۹۸۵

۷. *خالتی صفیه والدیر* (رمان)، .۱۹۹۱

۸ *الحب فی المنفی* (رمان)، .۱۹۹۵

۹. *نقطه النور* (رمان)، .۲۰۰۱

۱۰. *واحه الغروب* (رمان)، .۲۰۰٦

۱۱. *عشره مسرحیات مصر* (نقد)، .۱۹۸۵

۱۲. *فی مدیح الروایه* (نقد)، .۲۰۰٤

۱۳. *ابناء رفاعه: الثقافه و الحریه* (فکر)، .۱۹۹۰

۱٤. *فاصل غریب* (ترجمه یکی از نمایشنامه‌های یوجین اونیل)، .۱۹۷۰

۱۵. *ساحر الصحراء* (ترجمه رمان *کیمیاگر*، نوشته پائولو کوئیلو)، ۱۹۹٦.

۱٦. *لم اعرف ان الطواویس تطیر* (مجموعه داستان)، ۲۰۱۰.

بهاء طاهر چند جایزه ادبی را نیز به خود اختصاص داده است که از آن جمله است: «جائزه الدوله التقدیریه» از مصر، در سال ۱۹۹۸ و جایزه «بوکر عربی» سال ۲۰۰۸ برای رمان «واحه الغروب».

Archive of SID

www.SID.ir

ذکر این مطلب در این مقدمه موجز ضروری است که اساساً مقالات مربوط به حوزه ادبیات، به ویژه ادبیات داستانی، هر اندازه از حالت توصیفی فاصله بگیرد و به تحلیل و نقد و یافتن نتایج جدید منتهی شود، غنی‌تر و پرسودتر خواهد بود و در این راستا، آسیب مقالات مربوط به ادبیات داستانی آن است که اغلب نویسندگان مقالات به طرح موضوع و وقایع داستان‌ها می‌پردازند و در واقع این مقالات، خلاصه‌ای از اصل داستان‌ها هستند.

موضوع اصلی مورد بحث در این مقاله، آثار داستانی بهاءطاهر نویسنده مصری است. از آنجا که در ایران مقاله‌ای در خصوص «بهاءطاهر» به چاپ نرسیده و این نویسنده در جامعه ادبی و فرهنگی کشور ما ناشناخته است، مقصود اصلی نگارنده، شناساندن این نویسنده برجسته مصر و جهان عرب بوده است. از این رو، مقاله به دو بخش اصلی تقسیم شده: در بخش اول به ویژگی‌های برجسته قالب و شکل در آثار بهاء طاهر اختصاص دارد و در بخش دوم به محتوا و درونمایه این آثار پرداخته شده است. اما چنان که در سطور بالا آمد، مقصود از این بخش از مقاله، هرگز «بازگویی داستان‌ها» نیست، بلکه تلاش بر آن بوده تا تحلیلی از درونمایه داستان و جهان‌بینی نویسنده ارائه شود.

بر این مبنا، دو بخش مقاله شامل آن مباحث فرمی و محتوایی است که در آثار داستانی بهاء طاهر برجسته و مشهود است. موضوعات مورد بحث در بخش اول، شامل پیرنگ، کشمکش، داستان موقعیت، رمان دراماتیک و مکان‌های شهری؛ و موضوعات مورد بحث در بخش دوم، شامل انقلاب ژوئیه، مسائل روشنفکران، استعمار و فلسطین است.

پیشینه تحقیق

درباره بهاءطاهر تا کنون مقاله یا کتابی در ایران منتشر نشده و مقاله پیش رو نخستین مقاله درباره این داستان‌نویس مصری است، اما در کشورهای عربی کتابی با عنوان *حالتی صفیه و الدیر بین واقعیه التجدید و أسطوریه التجسید* به قلم بهاءالدین محمد به نگارش درآمده که چنان که از نام آن پیداست، به یکی از آثار بهاء طاهر اختصاص یافته است. ناقد دیگری به نام فاروق عبدالقادر در چهار کتاب (مجموعه مقاله) با عنوان‌های *أوراق من الرماد و الجمر*، *أوراق*

Archive of SID

www.SID.ir

أخری من الرماد و الجمر، *من أوراق الرفض و القبول* و *نسق معتم* و *مصابیح قلیله*، مقالاتی درباره آثار بهاءطاهر است. نگارنده این مقاله به رغم تلاش‌هایی که برای یافتن این آثار نمود، در این مهم به نتیجه‌ای نرسید.

الف) قالب داستانی در آثار بهاء طاهر

۱. پیرنگ نزولی

یکی از انواع پیرنگ، پیرنگ نزولی است که در آن بر فروپاشی، عقبگرد یا حرکت رو به عقب شخصیت اصلی و شکست او در برابر حوادث تأکید می‌شود. این اتفاقات از طریق خودکشی جسمی یا فکری رخ می‌دهد. این نوع پیرنگ را در *آناکارنینا* اثر تولستوی[1]، *جنایت و مکافات* اثر داستایوفسکی[2]، *دزد و سگ‌ها*، *بدایه و نهایه* و *زقاق المدق* اثر نجیب محفوظ و *شرق المتوسط* اثر عبدالرحمن منیف می‌توان دید (ابراهیم خلیل، ۲۰۱۰: ۲۲۰).

از میان آثار بهاء طاهر، چهار رمان او دارای پیرنگ نزولی است که عبارتند از: *قالت ضحی*، *الحب فی المنفی*، *حالتی صفیه و الدیر* و *واحه الغروب* می‌باشد. در زیر به شرح پیرنگ نزولی این چهار رمان می‌پردازیم:

رمان *قالت ضحی*، داستان یک راوی ناشناس و زنی به نام ضحی است که در دفتری مشغول به کارند. ضحی با خیانت به شوهر خود، با راوی دست به مسافرت تحصیلی می‌کند و پس از وقایع بسیار، سرانجام دچار عذاب وجدان می‌شود. از سوی دیگر ضحی به دلیل گرایش‌های خاص سیاسی میان دولتمردان، از کار اخراج می‌شود. به این ترتیب روند داستان و حرکت پیرنگ آن به شکلی است که ضحی با حالتی نادم و غمبار ناچار به ترک صحنه روایت می‌شود و در واقع با خیانت‌های خود، خویشتن را نابود می‌کند.

رمان *الحب فی المنفی*، داستان روزنامه‌نگاری مصری است که محل مأموریتش ژنو است. در یک کنفرانس مطبوعاتی در این شهر راوی با یک فرد سیاسی آسیب‌دیده از فشارهای روانی

1. Leo Tolstoy
2. Fyodor Dostoyevsky

Archive of SID

www.SID.ir

و شکنجه (پدرو) مواجه و عاشق مترجم هلندی‌اش (بریجیت) می‌شود. او با بریجیت ارتباط برقرار می‌کند. اما هم راوی و هم بریجیت قربانی زد و بندهای سیاسی اعراب و یهودیان صهیونیست می‌شوند. بریجیت از ژنو می‌رود و راوی که پیش‌زمینه بیماری قلبی دارد، بر اثر فشارهای روانی می‌میرد و پدرو هم که هیچ‌کس فریادرسش نیست، قاچاقچی مواد مخدر می‌شود.

رمان *خالتی صفیه والدیر* داستان صفیه و حربی است. صفیه عاشق حربی است، اما حربی عاشق دختر دیگری به نام امونه است. حربی واسطه ازدواج پاشا با صفیه می‌شود. صفیه بی‌درنگ به پاشا پاسخ مثبت می‌دهد و با او ازدواج و بسیار نسبت به او ابراز علاقه می‌کند. سپس حربی به دلیل سخن‌چینی مردم، متهم به قصد قتل پسر نوزاد پاشا می‌شود. پس از آزارها و شکنجه‌های بسیاری که پاشا بر حربی روا می‌دارد، طی حادثه‌ای حربی پاشا را ناخواسته به قتل می‌رساند. پس از این قتل حربی به زندان محکوم می‌شود، اما پس از آزادی، صفیه دیوانه‌وار درصدد انتقام برمی‌آید. اما حربی که مریض‌حال در کلیسا پناه گرفته، در اثر بیماری فوت می‌کند و صفیه در حسرت انتقام باقی می‌ماند. پس از مرگ حربی، صفیه به عشق او اقرار می‌کند و خود نیز جان می‌سپرد.

رمان تاریخی *واحه الغروب*، دارای دو شخصیت اصلی به نام‌های محمود و کاترین است. محمود در نیروی پلیس مصر فعالیت می‌کند و در همین حین با کاترین که یک باستان‌شناس ایرلندی است، آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. اما دولت مصر که به هواداری محمود از افکار جمال‌الدین اسدآبادی و احمد عرابی مظنون می‌شود، محل مأموریتش را به دل صحرا و دره سیوه منتقل می‌کند. وی در آنجا با کاترین دچار تعارضات و تناقضات و اختلافاتی می‌شود. سرانجام محمود در اثر فساد حکومت مصر و نفوذ استعمار در آن، چاره‌ای جز خودکشی نمی‌بیند.

Archive of SID

www.SID.ir

۲. کشمکش

برخی از داستان‌نویسان، اثر خود را با یک حادثه غافلگیرکننده یا کشمکش آغاز می‌کنند که این بر جذابیت اثر روایی بسیار می‌افزاید. بهاء طاهر نیز در دو رمان *الحب فی المنفی*، و *واحه الغروب* و داستان کوتاه «أنا الملک جئت»، از این تکنیک داستان‌نویسی استفاده کرده است. رمان *الحب فی المنفی*، این‌گونه آغاز می‌شود:

« بسیار به او تمایل داشتم اما احساس عجز می کردم؛ همچون هراس از آلوده شدن به گناه با محارم. او کوچک و زیبا بود و من پدر چند بچه که زنم را طلاق داده بودم. هیچ‌گاه عشق به ذهنم خطور نکرده بود و هرگز کاری نکرده بودم که این تمایل را نشان دهم. اما او بعدها به من گفت «این میل در چشم‌هایت موج می‌زد» (بهاء طاهر، الحب فی المنفی، ۲۰۰۸: ۵).

رمان تاریخی *واحه الغروب* با صحنه‌ای آغاز می‌شود که در آن «محمود» به اداره پلیس احضار شده تا محل کارش را به نقطه‌ای دوردست در قلب صحرا منتقل کند. در این نقل و انتقال نفوذ استعمار نقش اول را ایفا می‌کند:

«به من می‌گوید همسرت زنی شجاع است، گویی من نمی‌دانم همسرم چگونه زنی است! مگر همو نبود که با تصمیم خود دست به خطر زد؟ با وجود این شاید من عملاً کاترین را نمی‌شناسم. الان وقتش نیست. مهم این است که او به طور تصادفی کاترین را یادآوری نکرد. پشت هر کلمه‌اش هدفی داشت. اما الان مشکل اصلی، کاترین نیست. به علاوه در حال حاضر که من در راهروهای تاریک اداره پلیس پرسه می‌زنم و بعد از مصاحبه دشوار با آقای هارفی، هیچ مشکلی را نمی‌توانم حل کنم» (بهاء طاهر، ۲۰۰۷: ۹).

در داستان کوتاه «انا الملک جئت» نیز، «فریدبک» در جست‌وجوی هدفی ناشناخته در دل صحرا است و صحنه نخستین این داستان درباره آماده شدن او برای سفر است:

«در پاییز سال ۱۹۳۲ فریدبک آماده سفر شد... پدرش شیخ عبدالله قاضی ابتدا با این سفر مخالف بود. دوست نداشت فرید مطبش در باب اللوق را که پر از بیمار بود،

Archive of SID

www.SID.ir

ببندد و دست به سفری بی‌معنا بزند. اما هنگامی که اصرار وی را برای این سفر دید راضی شد و *قرآن* کوچکی به او داد تا همیشه همراهش باشد (بهاء طاهر، ۲۰۱۰: ۹).

کشمکش انواع مختلفی دارد. کشمکش انسان با طبیعت، هم ابتدایی‌ترین و هم دیرپاترین نوع کشمکش، چه در واقعیت و چه در داستان است. این کشمکش معمولاً صحنه‌ای را فراهم می‌کند که انسان بتواند توانایی‌های جسمی، ارادی و هوشی خود را به نمایش بگذارد. داستان‌هایی هم هست که بلایای طبیعی در آنها اتفاق افتاده، اما این بلایا نیروی اصلی مقابل انسان نیستند، بلکه فقط زمینه‌ساز انواع دیگری از کشمکش یعنی کشمکش انسان با خود یا دیگری هستند (سناپور، ۱۳۸۳: ۲۳ و ۳٤).

در *واحه الغروب* نیز نویسنده ابتدا به رنج سفر و دشواری رسیدن کاروان‌های شتر به وادی سیوه سخن می‌گوید و جدال بسیار دشوار انسان را با شنزارهای صحرای شمال افریقا بیان می‌کند. شخصیت‌های داستانی که در اینجا در واقع به وادی سیوه تبعید شده‌اند، از مبارزه با این صحرای خشک و بی‌رحم جان سالم به در می‌برند و به مقصد می‌رسند. اما محمود تبعیدی که در کشمکش با طبیعت زنده مانده در رویارویی با استعمار از یک سو و رام کردن مردمان خشن و ناآگاه آن وادی دور افتاده صحرای افریقا ناکام می‌ماند و سرانجام راهی جز خودکشی پیش روی خود نمی‌بیند.

امروزی‌ترین نوع کشمکش در داستان و هر کار روایی دیگر، کشمکش انسان با خودش است. در داستان‌های مدرن و بعد مدرن این نوع کشمکش بسیار دیده می‌شود. به نظر می‌رسد انسان به فردیت، رسیده امروزی، بیش از آنکه با جامعه تعارض داشته باشد، با خود مشکل و تضاد دارد. در واقع می‌توان خودآگاه‌تر شدن انسان امروزی را دلیل اصلی این رویکرد دانست. نتیجه طبیعی این رویکرد هم توجه انسان به وجود خود به عنوان یک پدیده هستی شناختی یا کنجکاوی برای فهم جایگاهش در جهان است.

به جز آن می‌توان گسیخته و چند پاره شدن انسان امروزی بر اثر زندگی‌های مدرن را نیز افزود (همان: ٤١). اصلی‌ترین کشمکشی که در رمان *قالت ضحی* دیده می‌شود، کشمکش انسان با خویشتن است. راوی به دلیل خیانت به انقلاب و ضحی به دلیل خیانت به همسرش و حاتم، همکار راوی

Archive of SID

www.SID.ir

بی‌نام داستان، به سبب خیانت به راوی، همگی دچار کشمکش و بحران هستند و در سرگشتگی خود از این اوضاع نابسامان بی‌هدف و نومید به سوی سرنوشت خود در حرکتند.

۳. داستان موقعیت

وجود رابطه خاصی از انسان و جهان، تعیین‌کننده داستان موقعیت است. رابطه‌ای که در آن فرد نه فقط قهرمان نیست و نمی‌تواند جهان پیرامونش را تغییر دهد که حتی تصمیم‌گیری برای خودش هم دشوار بلکه ناممکن است و او باید با جبر شرایطی که تمام هستی او را به خطر انداخته، درگیر شود. به عبارتی وضعیت انسان در چنین داستانی را می‌توان «گیرافتادگی» نامید. حوادث داستانی تنها در صورتی می‌توانند یک داستان را تبدیل به داستان موقعیت کنند که خود تبدیل به جبری شوند که زندگی شخصیت را در لحظه و در تمام ابعادش زیر سیطره خود بگیرد و شخص نتواند فارغ از آن هیچ‌کاری انجام دهد. هم‌چنین موقعیت‌های پیش آمده در این داستان‌ها غیرقابل فهم و به همین دلیل غریب، مبهوت‌کننده، چاره‌ناپذیر و به عبارتی غیرانسانی‌اند و اساساً داستان‌های موقعیت نوشته می‌شوند تا غیرقابل فهم بودن چنین موقعیت‌هایی را نشان بدهند (سناپور، ۱۳۸٦: ۸۷ – ۹۰).

در میان آثار داستانی بهاء طاهر، *خالتی صفیه والدیر* یک داستان موقعیت است. کنسول بیک پس از ازدواج با صفیه، به حربی مظنون می‌شود. هیچ عاملی، از آشنایی طولانی این دو، کارگری حربی برای بیک و خواستگاری حربی برای بیک و قسم‌ها و سوگندهای آتشین گرفته، تا پادرمیانی افراد مختلف، نمی‌تواند مانع از حمله بیک و افرادش به حربی و آزار و شکنجه او شود. حربی نیز چنان گرفتار این غصه می‌شود که با هیچ وسیله‌ای قادر به گریز از آن نیست، گویی این بدگمانی و مرگ سرنوشت محتوم اوست. از این رو، به باور نگارنده می‌توان این رمان را در شمار داستان‌های موقعیت دانست.

۴. رمان دراماتیک

آنچه در رمان دراماتیک اهمیت فوق‌العاده دارد، پایان‌بندی است؛ زیرا آخرین پرتوی است که بر داستان می‌افتد. پایان هر رمان دراماتیک راه‌حلی است برای مسأله‌ای که حوادث را به

Archive of SID

www.SID.ir

جریان افکنده است. این راه‌حل وقتی فرا می‌رسد که عمل خاصی که آغاز شده است، دور خود را با ایجاد تعادل یا بروز فاجعه‌ای که از آن فراتر نتوان رفت، به پایان رساند: تعادل یا مرگ. اینها دو پایانی است که رمان دراماتیک به سوی آنها در حرکت است (میور، ۱۳۸۳: ٤٠).

خالتی صفیه والدیر در عین حالی که رمان موقعیت است یک رمان دراماتیک نیز به شمار می‌رود و به دلیل ویژگی‌های دراماتیک و جذاب خود به صورت فیلمنامه درآمده و تبدیل به فیلم سینمایی شده است.

حکایت عشق سرکش صفیه به حربی و درک نشدن این عشق از سوی حربی و واسطه شدن حربی برای ازدواج صفیه با کنسول بیک پیر و انتقام‌جویی سرسختانه صفیه از معشوق گذشته خود و سرانجام مرگ صفیه در اثر اندوه فقدان حربی، همگی اتفاق‌هایی هستند که بیانگر اوج تهییج احساسات در این داستان و وجود جوانب دراماتیک (قابلیت نمایش) در آن می‌باشند. از سویی چنان که در سطور پیشین نیز آمده، سرنوشت این رمان نیز مانند دیگر رمان‌ها و داستان‌های دراماتیک چیزی جز مرگ عاشق و معشوق نیست.

۵. مکان‌های شهری

عوامل تشکیل مکان در داستان‌های معاصر سه مورد هستند: رعب و وحشت، ارتباط جنسی، تاریخ. این عوامل در بیشتر داستان‌های عربی و حتی غربی به چشم می‌خورند. علت این امر آن است که انسان، حرکت و رفتارش، مکان را شکل می‌دهد و پایه‌های مکان داستانی را برپا می‌سازد. انگیزه‌ها و عوامل این حرکت انسان سه مورد اصلی است: رعب و وحشت با همه منشأهای گوناگون اجتماعی، سیاسی و فکری‌اش؛ ارتباط جنسی که محرک و انگیزه حرکت انسان از بدو خلقتش بوده است؛ و تاریخ که همان زمانی است که به یک مکان ارزش‌هایی متفاوت با دوران‌های دیگر می‌دهد و فرایند دو طرفه ایجاد و نفی را در گذار دوران اعمال می‌کند. با تاریخ، مکان متحول می‌شود و به نوعی موزه مبدل می‌گردد؛ زیرا هر مکان ممکن است شاهد داستان‌های عاشقانه، اندیشه‌های بزرگ یا جنگ و نزاع و حوادث مختلف باشد (النابلسی، ۱۹۹٤: ٤٤).

Archive of SID

www.SID.ir

اما به باور نگارنده صورت کامل‌تر نظر شاکر النابلسی آن است که رعب و وحشت، ارتباط جنسی، و تاریخ از آن رو در داستان‌های معاصر بیشتر نمود دارند که مکان‌های شهری در این داستان‌ها بیشتر به کار می‌رود. این بدان معنا نیست که در رمان‌های *محلی*(که محل وقوع آنها روستا است) رعب و وحشت و ارتباط جنسی و حرکت تاریخی دیده نمی‌شود بلکه این سه ویژگی تقریباً در تمام داستان‌های مربوط به دغدغه‌های شهرنشینان مشاهده می‌شود. آن دسته از داستان‌های بهاء طاهر که وقایع آن در قاهره می‌گذرد و جلوه‌های شهری در آن نمود روشنی دارد، همگی حاوی مکان‌هایی هستند که با رعب و وحشت، ارتباط جنسی، و حرکت تاریخی پیوند خورده‌اند.

در رمان *الحب فی المنفی* شهری خیالی به نام «ن» وجود دارد که خالی از ویژگی‌های یادشده نیست. سالن کنفرانس مطبوعاتی، سالن‌های غذاخوری، آپارتمان‌هایی که کسی از درون آنها خبر ندارد، کوچه‌هایی که رهگذاری در آنها نیست و سواحل دریا، مکان‌هایی شهری است که در آنها ارتباط راوی با بریجیت میسر می‌شود. خیابان‌ها که میزبان تظاهرات‌های خشونت‌بارند و زندان‌ها که شاهد شکنجه‌های دردناکند، مکان‌هایی هستند که در *الحب فی المنفی*، و *شرق النخیل* به آنها اشاره شده است و بیانگر رعب و وحشت مکان‌های شهری‌اند. در رمان رمزی *نقطه النور* مکان‌هایی چون دانشگاه و پیتزافروشی و خانه‌های خلوت، شاهد ارتباط سالم و لبنی است. در این رمان، خانه قدیمی «باشکاتب» و فرو ریختن تدریجی آن، در *الحب فی المنفی* شهر «ن» که تبعیدگاه ابدی راوی است و در *شرق النخیل* خیابان‌های قاهره که شاهد انقلاب ژوئیه هستند، با گذار تاریخ پیوند خورده‌اند.

ب- محتوا در آثار داستانی بهاء طاهر

۱. انقلاب ژوئیه

یکی از موضوعاتی که بهاء طاهر در آثار خود، به ویژه در *الحب فی المنفی*، *شرق النخیل* و *قالت ضحی* بسیار به آن پرداخته، انقلاب سوسیالیستی ژوئیه ۱۹۵۸ در مصر به رهبری جمال عبدالناصر است. طاهر نگاهی انتقادآمیز به این انقلاب، وعده‌ها و نتایج آن دارد. راوی بی نام

Archive of SID

www.SID.ir

الحب فی‌المنفی که سرگذشتی شبیه به بهاء طاهر دارد (و چه بسا این کتاب بخشی از سرگذشت خود نویسنده باشد)، یک روزنامه‌نگار مصری است که به اجبار به کشوری اروپایی مهاجرت کرده و از آنجا برای یک روزنامه مصری اخبار کشورهای اروپایی را تهیه و به صورت هفتگی ارسال می‌کند. او که زمانی از پیروان جمال عبدالناصر و معتقدان به انقلاب سوسیالیستی مصر بود، پس از مدتی کتابی انتقادآمیز درباره عبدالناصر تألیف کرد که سرنوشتی جز این نداشت:

«هنگامی که کتابم را درباره عبدالناصر تألیف و با هزینه شخصی چاپ کردم گمان می بردم که سر و صدای زیادی به پا خواهد کرد و بخشی از آنچه را از دست داده بودیم دوباره به دست خواهیم آورد. در این رابطه به همه اتهاماتی که به من و کتابم وارد شد، با سند و دلیل پاسخ دادم، اما با انتشار کتاب، دستورالعمل‌های مخفیانه‌ای نیز به کیوسک‌ها و مغازه‌های کتاب‌فروشی ارسال شد که آن را در معرض دید مردم قرار ندهند. حتی کسانی که کتاب را به آنها هدیه کرده بودم و گمان می‌کردم که به آن توجه خواهند کرد، هیچ شرح و یا توضیحی درباره آن ندادند. نه به آن حمله کردند و نه آن را تأیید کردند، بلکه خاموشی مرگبار سرنوشت آن شد و نسخه‌های فروش نرفته آن که در خانه تلنبار شده بود، گواه خاک‌سپاری آن کتاب بود (بهاء طاهر، ۲۰۰۷: ۳۵).

نوع برخورد دولت مصر با این روزنامه‌نگار نیز قابل تأمل است. در این زمینه می‌توان از نظریات میشل فوکو بهره گرفت. به اعتقاد وی، قدرت به شیوه‌های گوناگون کارش را از پیش می‌برد و همیشه به روش فیزیکی و جسمی با سرکشان روبه‌رو نمی‌شود. هر چه بیشتر به جهان امروزی نزدیک شویم، اعمال قدرت نامستقیم‌تر است. مخالفان دیگر شکنجه جسمانی نمی‌شوند بلکه روحشان در شکنجه قرار می‌گیرد (فوکو، ۱۳۸٤: ۲۷). امروزه قدرت به جای مجازات، از انضباط و مراقبت بهره می‌گیرد و سرکوب را به شکلی دیگر جامه عمل می‌پوشاند. قدرت، همه سرکشان و کسانی را که از حوزه گفتمانی او بیرون می‌روند، محدود می‌سازد، اما به عادت گذشته تنبیه و سرکوب نمی‌کند. این قدرت تنها یک قدرت سیاسی صوری نیست،

Archive of SID

www.SID.ir

بلکه به روابط پنهان‌تری برمی‌گردد که در جامعه ریشه دوانده است، اما در سمت و سوی منافع قدرتمندان سیاسی گام می‌نهد (تسلیمی، ۱۳۸۸: ۲۳۸). وضعیت راوی این رمان که در تبعید به سر می‌برد، گویای همین رویکرد دولت مصر است. کنترل آثار و کتاب‌های این روزنامه‌نگار در زمان پیش از تبعید نیز در همین راستا قرار می‌گیرد.

بهاء طاهر در آثار مختلف خود تحولات دوران ناصر و سپس انور سادات را، ناکام و به زیان سرنوشت مردم مصر ارزیابی می‌کند. برخی از ناقدان، عوامل شکست این تجربه در تاریخ معاصر مصر را این‌گونه شرح داده‌اند: اول، تعامل غیر انقلابی قدرت حاکم با سرمایه‌داران داخلی مصر؛ دوم، انحصار زمام قدرت و همه امور جامعه به اعضای نهاد نظامی و امنیتی مصر و هراس از سیاسی شدن مردم و میل شدید به خفه کردن هرگونه تحرک سیاسی آنها و در محاصره قرار دادنشان با تدابیر امنیتی و ایدئولوژیکی؛ سوم، متوسل شدن دولت انقلابی به مصادره همه فعالیت‌ها و صداهای سیاسی و سندیکاهای کارگری و صنفی چپ‌گرا یا راست‌گرا؛ چهارم، ترور سازمان‌یافته و نهادینه کردن خشونت؛ پنجم، رشد بخش‌ها و گروه‌های مخالف که جمال عبدالناصر آنها را «ضدانقلابی» و «گروه‌های فشار» می‌نامید و تأکید بر اینکه ارتش تنها نیروی قادر به تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ملی‌گرایانه مصر است (بدوی، ۱۹۹۳: ۱۸۲– ۱۸۳).

تمام موارد فوق الذکر در آثار بهاء طاهر قابل مشاهده‌اند. برای نمونه در *الحب فی المنفی* راوی از تناقض ادعاها و شعارهای حکومت سوسیالیستی ناصر (که مدعی قوم‌گرایی عربی، مالکیت همگانی و عدالت بودند)، با اعمال آنها در عرصه واقع سخن می‌گوید (بهاء طاهر، ۲۰۰۸: ۵۲) و به سرکوب تظاهرات‌های اعتراضی دانشجویان اشاره می‌کند (همان:۹٤). در *قالت ضحی* نویسنده به تلاش‌های انقلابیون برای روی کار آمدن دولت سوسیالیست جمال عبدالناصر و سپس تغییر رفتار همین دولت پیروز سوسیالیست و سرکوب رفتارهای اعتراضی می‌پردازد (بهاء طاهر، ۱۹۹۹: ۱۰۸). نویسنده هم‌چنین با زیر سؤال بردن ادعاهای ناصر در مورد ملی‌گرایی و ناسیونالیسم عربی، به مشارکت مصر در جنگ یمن اشاره می کند و به

Archive of SID

www.SID.ir

خصومت دولت سوسیالیست وی با سرمایه‌داران بخش خصوصی می‌پردازد (همان: ۳۹ و ۱٤۸).

برای تحلیل این نگاه بهاء طاهر به رفتارهای دولت سوسیالیست دوران جمال عبدالناصر، می‌توان از برخی نظریه‌های نقد سیاسی بهره گرفت. منتقدان مارکسیست معتقدند تأثیرات ایدئولوژی ما را نسبت به وضعیت خودمان نابینا می‌کند... ایدئولوژی آن چیزی است که باعث می‌شود ما به یک تفسیر نادرست از جهان برسیم. از نظر آلتوسر، ایدئولوژی از طریق دستگاه‌های ایدئولوژیک دولت عمل می‌کند. آلتوسر منشأ ایدئولوژی را در نوشته‌های روان‌شناس فرانسوی، ژاک لاکان جست‌وجو می‌کند. به نظر لاکان فرایندهایی که در خلال رشد پشت سر گذاشته‌ایم، سبب می‌شوند که برای همیشه ناکامل باقی بمانیم. پس از آگاهی یافتن از این فقدان عمیق، ایدئولوژی را جانشین آن می‌کنیم تا بلکه کمبودی احساس نکنیم؛ زیرا ایدئولوژی پیوسته ما را به عنوان سوژه‌هایی متعین تشویق یا بازخواست می‌کند... ایدئولوژی ما را متقاعد می‌کند که کامل و حقیقی هستیم (برتنس، ۱۰۰:۱۳۸٤– ۱۰۳).

اما در میان آثار داستانی بهاء طاهر، رمان *نقطه النور* ویژگی خاصی دارد. بهاء طاهر در این رمان موضوعی واقعی و ملموس را طرح می‌کند که ظاهراً دراماتیک و در پیوندی عمیق با احساسات عشق، پدر و فرزندی، برادر و خواهری و... است. اما به اعتقاد نگارنده این مقاله، این رمان دارای ساختاری نمادین است و نویسنده در پی اشارات سمبلیک به سرنوشت کشورش است. این رمان دارای سه شخصیت اصلی است: سالم، پدر بزرگ سالم که باشکاتب نام دارد، و لبنی که معشوقه سالم است. این رمان هم‌چنین دارای سه بخش است که هرکدام موسوم به نام‌های این سه شخصیت است. به باور نگارنده، در این داستان «سالم» رمز ملت مصر و شخصیت او بیانگر پاکی و بی‌آلایشی ملت مصر است که در جست‌وجوی آرمانی والا، یعنی انقلاب و حاکمیت جمال عبدالناصر است و «لبنی» نماد آن است. اما پس از وصال سالم و لبنی (پیروزی انقلاب ژوئیه و کامیابی ملت مصر و دولت ناصر)، همگان درمی‌یابند که این معشوقه یا آرمان، پیشتر آزمایش شده و دیگر به کار سالم (ملت مصر) نمی‌آید. لایه معنایی دیگر در این رمان، مربوط به اختلاف طبقاتی و مشکلات اجتماعی جامعه مصر است که در

Archive of SID

www.SID.ir

این چارچوب، سالم نماینده قشر فرودست و مسائل و مشکلات مربوط بـه آن و لبنـی بیـانگر قشر بالادست و قضایای آن است. خیانت مادر و پدر لبنی به یکدیگر نیز مـی‌توانـد نمـادی از خیانت‌های تاریخی ـ سیاسی در مصر معاصر باشد.

۲. مسائل قشر متوسط و روشنفکر

بهاء طاهر در *شرق النخیل*، *قالت ضحی*، *الحب فی المنفی* و مجموعه داستان *لـم اعـرف أن الطواویس تطیر* شخصیت‌هایی را ساخته و پرداخته است که نماینـده اقشـار روشـنفکر جامعـه مصر هستند. *شرق النخیل* داستان دانشجویانی است که هریک مشکلات ویژه خویش را دارنـد. نویسنده در سه بخش، از سه دانشجو به نام‌هـای لیلـی، سـمیر و سـوزی یـاد مـی‌کنـد کـه در خوابگاهی ساکن هستند و روابط میان آنها و خانواده و جامعه‌شان، بیانگر مسـائل و مشـکلات آنهاست و آنها خود روایت‌گر شرایط اجتماعی و سیاسی زمانه خود در مصر هسـتند. نویسـنده در بخش نخست این داستان، دانشجویان سرخورده‌ای را به تصویر می‌کشـد کـه از سیاسـت و ناکامی‌های سیاسی و فعالیت‌های ضداستعماری و حتی مسـائل و شـرایط خـانوادگی و فاصـله میان قشر تحصیل‌کرده و نسل قدیم بدون تحصیلات، دچار سـرخوردگی، افسـردگی و پـوچی شده‌اند. بخش دوم داستان در خصوص شرایط زندگی این دانشجویان در خـارج از دانشـگاه و روستای زادگاه خود و ریشه‌یابی ناکامی‌های قشر تحصیلکرده و روشنفکر در اقتصاد و اجتمـاع است. بخش سوم داستان درباره مبارزات ضداستعماری ایـن دانشـجویان و همـراه شـدن تـوده مردم با آنها در این مبارزات و هم‌چنین فعالیت و مبارزه این دانشجویان به نفع ملت فلسطین و نگاه روشن و باز آنان درباره فلسطین و مصائب آن می‌باشد که در بخش دیگری به آن خواهیم پرداخت.

رمان *قالت ضحی* رمان خیانت و خیانتکاران است. این رمان توسط یک راوی بی‌نام روایت می‌شود. در آغاز، این راوی یادآور حوادث و رویدادهای مربوط به انقلاب ژوئیه مـی‌شـود کـه طی آن به اهداف انقلابیون خیانت می‌کنـد و برنامـه‌هـای آنهـا را بـه حکومـت اسـتعماری لـو می‌دهد. او که بعدها به یک کارمند سرخورده و افسرده در دولت انقلابی تبـدیل مـی‌شـود، بـا

Archive of SID

www.SID.ir

ضحی هم اتاق می‌گردد و با او برای تحصیل به ایتالیا می‌رود. در این واقعه، ضحی نخست به شوهر خود خیانت می‌کند و راهی سفر ایتالیا می‌شود و با راوی ارتباط جنسی برقرار می‌کند. پس از آن ضحی در ایتالیا به همین راوی نیز خیانت می‌کند. راوی نیز با قماربازی و انحراف جنسی خود را به ورطه فساد می‌کشاند و به خویشتن و ضحی خیانت می‌کند. حاتم، دوست قدیمی و همکار راوی نیز در امور کاری و انقلابی به او خیانت می‌کند. همه این روابط خیانت‌کارانه در درون یک نظام سوسیالیستی رخ می‌دهد که به اهداف انقلاب خود خیانت می‌کند.

رمان *الحب فی المنفی* درباره یکی از اصلی‌ترین مسائل مربوط به طبقه متوسط و قشر روشنفکران یعنی حقوق بشر و آزادی بیان است. شخصیت اصلی این رمان که باز هم راوی داستان است و تا پایان نام او فاش نمی‌شود، یک روزنامه‌نگار مصری است که به دلیل فشارهای سیاسی و آزارهای عناصر امنیتی بالاجبار به کشوری اروپایی مهاجرت می‌کند. همسر او منار هم روزنامه‌نگار است که به دلیل اختلاف سلیقه‌هایی که درباره کار کردن زن در خارج از خانه داشته‌اند، از یکدیگر جدا شده‌اند. این روزنامه‌نگار در اروپا نیز با کسانی مواجه می‌شود که قربانی عدم پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هستند. در یک کنفرانس مطبوعاتی «پدرو» شیلیایی حاضر می‌شود و از شکنجه‌هایش سخن می‌گوید. این روزنامه‌نگار ضمن اهتمام به وضعیت وی، به اوضاع مشابه حقوق بشر و آزادی در کشورهایی چون اندونزی، چکسلواکی، روسیه، لهستان، اسپانیا، لبنان و فلسطین اشاره می‌کند.

داستان کوتاه «لم أعرف أن الطواویس تطیر» از مجموعه داستانی به همین نام، درباره کارمندی بازنشسته است که به محل کار سابق خود سری می‌زند، اما در راه جمعیتی را می‌بیند که به طاووسی خیره شده‌اند که از باغ وحش گریخته است. طاووس به بالای درخت رفته و کسی نمی‌تواند آن را بگیرد. برای این کار صاحبان باغ وحش به مأموران آتش‌نشانی متوسل می‌شوند و سرانجام او را به دام می‌اندازند. به باور نگارنده، این داستان استعاره‌ای از عمر سپری شده است که ارزش و زیبایی چون طاووس دارد و چون این طاووس بگریزد، دیگر نمی‌توان به آن دست یافت.

Archive of SID

www.SID.ir

بهاء طاهر در رمان *نقطه النور* از زاویه‌ای دیگر به مشکلات قشر متوسط جامعه می‌نگرد که به اعتقاد نگارنده رنگ و بوی ناتورالیستی دارد. نویسنده در این اثر خود به زشتی‌ها و فسادهای اخلاقی می‌پردازد که قشر متوسط جامعه گاه درگیر آن می‌شود. در این داستان، سالم در ایجاد ارتباط با جنس مخالف خود دارای مشکلاتی است و سرانجام پس از کش و قوس‌های بسیار، در دانشگاه با لبنی آشنا می‌شود و قصد ازدواج با او می‌کند. اما لبنی که سالم را فریب داده و او را جذب خود نموده، سالم را به وادی لذت‌جویی می‌کشاند. سالم بلافاصله پس از افتادن در دام گناه، متوجه غفلت خود و فریبکاری و عدم بکارت لبنی می‌شود.

اما نوع تحلیل و ریشه‌یابی نویسنده از شخصیت لبنی، خواننده را به یاد عقاید ناتورالیست‌ها می‌اندازد که بسیاری از ویژگی‌های رفتاری شخصیت‌های داستانی خود را در خصوصیات وراثتی آنها جست‌وجو می‌کردند، (برای نمونه ر.ک. سیدحسینی، ۱۳۸٤: ٤۰۷؛ ثروت، ۱۳۸۵: ۱۳۵). حادثه از دست رفتن بکارت لبنی را بهاء طاهر این‌گونه ترسیم می‌کند که معلم خصوصی لبنی به او تعرض می‌کند، اما لبنی نیز از تمام توان خود برای دفاع از خویشتن استفاده نمی‌کند. اما تحلیل نویسنده از عدم دفاع لبنی از خویش آن است که پدر لبنی مردی شرابخوار و زنباره و مادرش اهل فساد بوده است و سرانجام فاش می‌کند که لبنی خود حرامزاده است(طاهر، ۲۰۰۱: ۱۷۹).

۳. استعمار

در میان موضوعاتی که بهاء طاهر در داستان‌های خود به آنها پرداخته، موضوع استعمار انگلیس جایگاه ویژه‌ای دارد. او در مجموعه داستان *انا الملک جئت* که از نخستین آثار اوست و *خالتی صفیه والدیر* که در میانه راه داستان‌نویسی او قرار دارد و در *واحه الغروب* که واپسین اثر اوست، به موضوع استعمار انگلیس در مصر پرداخته است. بهاء طاهر در مجموعه داستان *انا الملک جئت* در داستان کوتاهی به همین نام، موضوع حضور انگلیسی‌ها در مصر را مطرح می‌کند. این داستان، روایت شخصیتی به نام فرید است که دست به سفری ظاهراً بی‌معنا به

Archive of SID

www.SID.ir

وادی «سیوه» می‌زند و تا سر حد مرگ پیش می‌رود، اما سرانجام به نحوی شگفت‌انگیز از مرگ نجات می‌یابد.

آنچه را بهاء طاهر در سال ۱۹۸۵ در قالب داستانی کوتاه و به نحوی کاملاً موجز و مبهم تصویر می‌کند که گاه ممکن است حتی برداشت‌های صوفیانه و عارفانه نیز از آن پدید آید، بیست و یک سال بعد (۲۰۰۶) به شکل رمانی مبسوط درمی‌آورد که برنده جایزه بوکر عربی می‌شود. ساختار داستانی، شخصیت‌ها، زمان‌ها و مکان‌های داستانی *واحه الغروب* همان‌هایی هستند که در *انا الملک* جئت وارد شده بود. وقایع این داستان مربوط به دوران عرابی پاشا است و در آن به سیطره استعمار انگلیس بر حیات مادی و معنوی مصر و سرنوشت مردم این کشور پرداخته شده است. محمود شخصیت اصلی این داستان، به دلیل همکاری با عرابی پاشا که افسری انقلابی در برابر استعمار پیر بود، به منطقه‌ای به نام سیوه منتقل می‌شود که قبایل سرکش در آن قدرت‌نمایی می‌کنند و همه مأموران دولتی را می‌کشند (برای اطلاعات بیشتر در مورد شورش عرابی پاشا در برابر استعمار ر.ک. به: عنایت، ۱۳۷٦: ۵/ ۱۲۰ – ۱۲۳).

محمود پیش از بستن بار سفر به سیوه، با زنی ایرلندی به نام کاترین آشنا می‌شود (که او نیز طعم استعمار و توسعه‌طلبی انگلیس را چشیده) و پس از ازدواج با او راهی سیوه می‌شود. وقایعی که او در سیوه از سر می‌گذراند، حکایت از همکاری خدیو مصر با انگلیسی‌ها برای سرکوب مردم معترض به استعمار و همکاری این دو در جهت منافع طبقه حاکم و استعمارگران و نفوذ استعمار در تمام اقشار و طبقات حاکمیت حتی در میان نظامیان رده پایین و سربازان دارد. از دیگر مسائلی که در این رمان به چشم می‌خورد، موضوع تقابل فرهنگی شرق و غرب است. شخصیت‌هایی چون کاترین و خواهرش فیونا بیانگر نگاه علمی و موشکافانه و علاقمندانه به فرهنگ اصیل شرقی است که البته گاه خالی از حسادت‌ورزی هم نیست و شخصیت شیوخ و بزرگان سیوه نشان‌دهنده نگاه جاهلانه و متعصبانه و خرافی شرق نسبت به میراث فرهنگی ایشان است.

از دیگر موضوعاتی که در همین زمینه می‌توان در رمان‌های بهاء طاهر جست‌وجو کرد، مسأله قوم‌گرایی عربی و موضوع «وطن عربی» است. در رمان *خالتی صفیه والدیر* هنگامی که

Archive of SID

www.SID.ir

فارس پیشنهاد شگفت‌آور خود را می‌دهد و برای جنگ با یهودیان اعلام آمادگی می‌کند همه فراریان و راهزنان منطقه «صعید» اعلام می‌کنند که در صورت تسلیح توسط ارتش، با فارس در این امر همکاری خواهند کرد و حربی نیز به این اقدام ابراز تمایل می‌کند. در اینجا است که داستان یکی از روستاهای منطقه «صعید» مصر، با داستان وطن عربی پیوند می‌یابد و مرکز دلالتی آن از حالت خاص درآمده و صورت عام به خود می‌گیرد. در این چارچوب، روح مصر حتی در میان بدترین شهروندان این کشور و سرکش‌ترین آنان در برابر قانون، سرشار از جوانمردی و میل بی‌حد و حصر به در نوردیدن تنگ‌نظری‌های طایفه‌ای و انتقام‌جویی از دشمن بزرگ می‌شود و حتی می‌توان این نزاع‌های جزئی را به نزاع تاریخی گسترده اعراب پیوند داد (فضل، ۲۰۰۹: ۷۷).

۴. فلسطین

مسأله فلسطین موضوعی است که در جهان و به ویژه جوامع و کشورهای اسلامی دارای ابعاد مختلف است و از جوانب مختلف به آن نگریسته می‌شود. اصولاً مسأله مردم ستمدیده فلسطین که سرزمین‌شان اشغال و غصب شده یک تراژدی بشری است که خاطر هر انسان آزاده و عدالت‌مدار را می‌آزارد. اما همین مسأله دردآور بشری، بسیاری مواقع در رسانه‌ها چنان مطرح می‌شود که نتایج مثبتی به بار نمی‌آورد و آن پیامدهای انسان‌دوستانه را در جوامع حاصل نمی‌کند. به عبارت دیگر، این موضوع آن‌چنان غرق هیاهوهای رسانه‌ای شده که نقطه اصلی آن یعنی ظلم به بخشی از انسان‌ها و جنایات بشری و نسل‌کشی‌های رخ داده در آن سرزمین گویی به مسأله‌ای درجه دوم مبدل شده است. اما در این بحبوحه، ادبیات و هنر توانسته است این موضوع را به عمق احساسات مردم جهان وارد کند و مردم جهان از این طریق توانسته‌اند با مردم ستمدیده فلسطین احساس همدردی و همراهی کنند.

در این میان، داستان نویسی، متمایز از دیگر هنرها است؛ زیرا قادر به همراهی با روند تحول‌های بزرگ در جامعه، به ویژه در زمینه ثبت حوادث مهم در تاریخ ملل و اشخاص است. داستان قادر است به عمق افراد و جوامع فرو رود... بنابراین، داستان‌نویسی نقش تاریخ‌نگار،

Archive of SID

www.SID.ir

روان‌شناس و تحلیل‌گر اجتماعی را برعهده می‌گیرد و از این رو است که داستان‌های بسیاری پس از گذشت ده‌ها سال، هنوز پابرجا و پرطرفدار باقی مانده‌اند (ابومطر، ۱۹۹٤: ۱۲۹).

بهاء طاهر در دو رمان، *شرق النخیل* و *الحب فی المنفی* نگاهی کاملاً واقع‌بینانه به موضوع فلسطین و رنج و مظلومیت مردم آن داشته است. وی در رمان *الحب فی المنفی*، موضوع تبعید روزنامه‌نگار مصری را به مسأله فلسطین پیوند می‌زند؛ یکی از شاهزاده‌های سعودی از او درخواست می‌کند که روزنامه‌ای را با سرمایه آن شاهزاده تأسیس کنند و سردبیری آن را هم راوی بی‌نام رمان (روزنامه‌نگار) برعهده بگیرد. اما این روزنامه‌نگار پس از تحقیق‌هایی که انجام می‌دهد متوجه می‌شود که آن شاهزاده ـ که مدعی تجارت اسب در اروپا است ـ شریک یکی از ثروتمندترین تاجران یهودی است. هدف این شاهزاده از سرمایه‌گذاری برای تأسیس یک روزنامه، نه قومی، نه عربی و نه ملی است. او تنها در پی قدرت است و با استفاده از ابزار رسانه و مطبوعات به دنبال جانشینی شاه عربستان و فشار آوردن بر دیگر شاهزاده‌ها و ولیعهد می‌باشد. از سویی او به ارتش اسرائیل برای حمله به اعراب هم‌جوار اسرائیل کمک مالی می‌کند. از دیگر موضوعات مرتبط که نویسنده در این رمان به آنها اشاره می‌کند، فاجعه «صبرا و شتیلا»، خیانت سران عرب به آرمان‌های ملی و عربی امت عرب، پشت کردن کشورهای عربی همسایه فلسطین به مردم و آوارگان فلسطینی، بی‌اعتنایی دول اروپایی به فاجعه بشری صبرا و شتیلا و عدم‌همراهی و همدردی سفارتخانه‌های دول عرب با این موضوع، خودخواهی و ریاکاری و منفعت‌طلبی جمعیت‌های بشردوستانه اروپا در این فاجعه، و سرانجام آنکه قوانین ساخته ذهن بشر برآورده کننده عواطف و احساسات انسان و حقایق زندگی او نیست.

در *شرق النخیل* نیز نویسنده از زبان یک دانشجوی فلسطینی، چگونگی همدستی انگلیسی‌ها و یهودیان صهیونیست را برای اشغال و غصب شهرها و خانه‌های فلسطینیان و فشارهای جسمانی و روحی ـ روانی نظامیان انگلیسی بر مبارزان فلسطینی برای تسلیم خانه و کاشانه‌شان را شرح می‌دهد.

Archive of SID

www.SID.ir

نتیجه

۱. اغلب رمان‌های بهاء طاهر دارای پیرنگ نزولی است؛ بدین معنا که با یک نقطه اوج آغاز و با مرگ خاتمه می‌یابد.

۲. بهاء طاهر در رمان *خالتی صفیه والدیر* از تکنیک «داستان موقعیت» بهره گرفته که از جذابیت بالایی برخوردار است و نمونه‌های آن در ادبیات داستانی عرب اندک است.

۳. وی در رمان‌های خود که همگی در محیط‌های شهری رخ می‌دهند، از ویژگی‌های این‌گونه مکان‌های جهان مدرن به خوبی بهره گرفته و به نمایش کشیده است. این ویژگی‌ها عبارتند از رعب و وحشت، ارتباط جنسی و تاریخ.

٤. بهاء طاهر به رغم آنکه در فضای کشوری سوسیالیستی نشو و نما کرده و حیات ادبی خویش را در چنین محیطی سپری نموده، برخلاف اغلب نویسندگان و شاعران جهان عرب و مصر (برای نمونه نجیب محفوظ که هوادار مشرب مارکسیسم و حکومت سوسیالیستی بود) منتقد جدی حکومت سوسیالیستی مصر در روزگار ناصر و سپس انورسادات بوده و به اعتقاد نگارنده، نویسنده‌ای «حقیقت‌جو» است. که حکومت انقلابی مصر را به خاطر وعده‌های دروغینی که داده و سپس پیمان‌شکنی‌های آن در قبال مردم مصر و ستم‌هایی که در حق آنان روا داشته، به شدت مذمت می‌کند.

۵. بهاء طاهر موضع سرسختانه‌ای در قبال استعمارگران اتخاذ می‌کند و ابعاد نفوذ آنها را در پایه‌های قدرت مصر به روشنی تبیین می‌کند و تقابل فرهنگی شرق و غرب و عقب‌ماندگی علمی و فرهنگی اسفبار شرق را به تصویر می‌کشد.

٦. او نگاهی کاملاً واقع‌بینانه و به دور از قضاوت‌های عوام‌گرایانه به مسأله فلسطین دارد و مظلومیت ملت فلسطین را به نحوی تفصیلی و اثربخش به نمایش می‌کشد.

در پایان نگارنده مقاله پیشنهاد می‌کند جنبه های نمادین و اسطوره‌ای که در آثار بهاء طاهر نهفته است، مورد پژوهش محققان عرصه ادب قرار گیرد. از آنجا که درباره بهاء طاهر تاکنون در ایران مطلبی منتشر نشده، هدف اصلی این مقاله منحصر به معرفی این نویسنده و ویژگی‌های کلی آثار اوست و بررسی موضوع فوق مجال دیگری می‌طلبد.

Archive of SID

www.SID.ir

یادداشت‌ها

۱. اشتهیتها اشتهاءً عاجزاً، کخوف الدنس بالمحارم. کانت صغیرة و جمیلة و کنت عجوزاً و أبـاً و مطلّقـاً. لـم یطرأ علی بالی الحب، و لم أفعل شیئاً لأعبّر عن اشتهائی. لکنّها قالت لی فیما بعد: کان یطلّ من عینیک.

۲. یقول لی زوجتک امرأة شجاعة، کأنی لا أعرف کیف هی زوجتی! أ‌لیست ذاهبة معی برضاها الی الخطـر؟ و مع ذلک فلعلی لا أعرف بالفعل کیف هی کاثرین. لیس هذا وقته. المهم أنه لم یـذکرها مصـادفة. وراء کـل کلمة من کلماته هدف، ولکن کاثرین لیست هی المشکة الآن. ثم إنی لن أحلّ أی مشکلة و أنـا أتجـول فـی ممرات نظارة الداخلیة المعتمة و بعد مقابلة المستر هارفی المقبضة.

۳. فی خریف ۱۹۳۲ تجهز فرید بک للسفر.. اعترض والده فضیلة الشیخ عبد الله القاضی بالمعاش. سـاءه أن یغلق فرید عیادته الناجحة فی باب اللوق و یسافر للمجهول. لکنه لما رأی إصرار فرید علی الرحیل بارکـه و أعطاه مصحفاً صغیراً لیلازمه.

۴. و ظننت حین ألّفت کتابی عن عبد الناصر و نشرته علی نفقتی أن ضجة کبیرة ستحدث و أننا سنسترد، هـو و أنا بعضا مما فقدناه. رددت بالوثائق و بالأدلة التی عاصرتها علی کل التهم التی وجّهت الیه، ولکن الکتـاب صدر و صدرت معه الأوامر السّریة الی أکشاک الجرائد و المکتبات بإخفائه فلم یره احد، حتی مـن أهـدیتهم الکتاب من الزملاء و الکتّاب الذین تصوّرت انهم سیهتمّون، لم یعلقوا علیه. لا هجوم علی الکتاب و لا تأییـد. بل صمت الموت، و النسخ البائرة التی عادت لتتکدّس فی البیت هی شاهد القبر.

کتابنامه

ابومطر، احمد (۱۹۹٤): *الروایه و الحرب*، للمؤسسه العربیه للدراسات و النشر، بیروت.

بدوی، محمد (۱۹۹۳): *الروایه الجدیده فی مصر*: دراسـه فـی التشـکیل و الأیـدیولوجیا، المؤسسـه الجامعیـه للدراسات و النشر و التوزیع، بیروت.

برتنس، هانس (۱۳۸٤): *مبانی نظریه ادبی*، ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی، نشر ماهی، تهران.

تسلیمی، علی (۱۳۸۸): *نقد ادبی*، کتاب آمه، تهران.

ثروت، منصور (۱۳۸۵): *آشنایی با مکتب‌های ادبی*، سخن، تهران.

خلیل، ابراهیم (۲۰۱۰): *بنیه النص الروائی*، منشورات الاختلاف، الجزائر.

Archive of SID

www.SID.ir

سناپور، حسین(۱۳۸٦): *جادوهای داستان*، چشمه، تهران.

سناپور، حسین (۱۳۸۳): *ده جستار داستان‌نویسی*، چشمه، تهران.

سیدحسینی، رضا (۱۳۸٤): *مکتب‌های ادبی*، چاپ پنجم، نگاه، تهران.

طاهر، بهاء (۲۰۱۰): *أنا الملک جئت*، دارالشروق، القاهره.

ـــــــــ (۲۰۰۸): *الحب فی المنفی*، الطبعه الثانیه، دار الآداب، بیروت.

ـــــــــ (۲۰۰۸): *خالتی صفیه والدیر*، الطبعه الثانیه، دارالشرق، القاهره.

ـــــــــ (۲۰۰۰): *شرق النخیل* ، دار الأداب، بیروت.

ـــــــــ (۱۹۹۹): *قالت ضحی*، دار الآداب، بیروت.

ـــــــــ (۲۰۱۰): *لم أعرف أن الطراویس تطیر* ، الطبعه الثالثه، دارالشروق، القاهره.

ـــــــــ (۲۰۰۱): *نقطه النور*، دارالآداب، بیروت.

ـــــــــ (۲۰۰۷): *واحه الغروب* ، الطبعه الثانیه، دارالشروق.

عنایت، حمید(۱۳۷٦): *سیری در اندیشه سیاسی عرب*، چاپ پنجم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران.

فضل، صلاح (۲۰۰۹): *أسالیب السرد فی الروایه العربیه*، دار المحبه، دمشق.

فوکو، میشل (۱۳۸٤): *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه ن. سرخوش و ا.جهاندیده، چاپ پنجم، نشر نی، تهران.

میور. ادوین(۱۳۸۳): *ساخت رمان*، ترجمه فریدون بدره‌ای، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

النابلسی، شاکر(۱۹۹٤): *جمالیات المکان فی الروایه العربیه*، المؤسسه العربیه للدراسات و النشر، بیروت.

بهاء ـ طاهر /http://ar.wikipedia.org/wiki

Archive of SID

www.SID.ir